



# هنرهای نحسینی

نوشته محمد هادی

(مروری بر احوال و آثار نقاشان قرن  
دوازدهم و سیزدهم هجری)

## راهبران و رهروان مکتب گل



از پس یک دوران نسبتاً طولانی آشوب و ناآرامی و عدم امنیت اجتماعی در ایران، به دلیل حمله افغان‌ها و سقوط خاندان صفوی، سوی فروپاشی بسیاری از مبانی اجتماعی، هنر و فرهنگ نیز که نمی‌بایست و نمی‌تواند، جدا از این جریانات به استمرار و رشد و تعالی خود ادامه دهد، دچار نوعی وقفه و سکون و عقب‌افتادگی گردید.

چه در این دوران، هنرمندان و دانشوران، اغلب یا تن به مهاجرت سپردند و یا گوشه‌انزوا گرفته دست از خلاقیت و اندیشیدن کشیدند.

از آن همه رونق و درخشش و پیویایی هنر صفوی، جز یادگارهایی پراکنده در کتب و یا آثاری روبه ویرانی و تخریب در بناهای مذهبی و دولتی بجای نماند. بیم آن می‌رفت که به یکباره حلقه‌های زنجیر دوام و بقای فرهنگ و هنر پیویای ایرانی گسیخته گردد و چه بسیار ارزش‌ها که به دست فراموشی سپرده نگردد و

علی اشرف را باید نخستین هنرمند عاشق  
و شیفته گل و مرغ شناخت.

\* \* \*

شیراز شهر شعر، شهر گل و بلبل،  
خاستگاه نخستین مکتب گل به شمار  
می‌آید.

\* \* \*

آقا صادق نام‌آشنا ترین نگارگر مکتب  
گل به این مکتب آبرو و اعتباری تازه  
بخشید.

\* \* \*

لطفعلی خان شیرازی مکتب گل را  
اعتباری جهانی بخشید.

غباربی مهری و بی اعتنایی بر آن ننشیند.

با این همه در اواخر حکومت افشاریه و به ویژه با شروع حکومت زندیه در ایران و برقراری سکون و آرامش دگربار در خطه ایران زمین، نوید حرکت نوین و امیدبخشی را در تولد و تعالی هنر ایران، و مهم تر نگارگری ایران را در دل و جان دوستداران هنر ایرانی طنین انداز می‌کند.

کریم خان زند (وکیل الرعایا) در طی سالهای حکومتش (۱۱۶۴-۱۱۸۹) زمینه‌های مناسب و پرمهر این تحول را مهیا می‌سازد. او سلطانی دوستدار عدالت و خواستار آبادانی است. هم بدین دلیل بعد از آنکه شیراز را به عنوان تختگاه حکومت خود برمی‌گزیند، نخستین و شاید مهم‌ترین گام را در برپائی بناهای دولتی در این شهر برمی‌دارد.

شهر شیراز، با پشتوانه غنی و پرباری که در پرورش ذوق‌ها و استعدادها داراست، عامل بسیار سرنوشت‌ساز و عمده‌ای در پیشبرد اهداف خیرخواهانه وکیل الرعایا به حساب می‌آید.

شیراز از یک سوی شهر و مرکز و خاستگاه شعر است و از دگرسوی وارث ارزش‌های پردوام و قدمت هنرهای سنتی و به ویژه نگارگری است، هنوز شهرت و آوازه هنرمندان «مکتب شیراز» و آثار و یادگارهایشان از خاطره‌ها نرفته است. همان مکتب اصیل و ارزشمندی که در قرن دهم هجری، با ظهور و تولد نام‌آوران نگارگر شهر شیراز، چشم‌انداز نوینی را به جهان نگارگری گشود.

تردیدی نیست که زبان هنر در این روزگار قرار و سکون، بعد از آن‌همه غارت و آشوب، می‌بایست جوابگوی دل‌های آرمند و به‌دیگر کلام، چونان مرهمی التیام‌بخش زخم‌های کهنه و اندیشه‌های طالب لطافت و ظرافت و سکون باشد.

با چنین نیاز و ضرورتی است که شیراز شهر گل، شهر شعر، شهر سروهای سربه‌فلک کشیده و شهر باغ و

بستان، انگیزه‌های دل‌بستن به گل و گیاه و پرنده را در روح و اندیشه هنرمندان این دوران ایجاد می‌کند، همان به ظاهر تفنن و رغبتی به جاودانگی گل و گیاه و پرنده در نگارگری ایران، که بعدها با همت نگارگران نام‌آشنای هنر ایران، مقدمات ثبت مکتب نوین گل را برای همیشه در تاریخ هنر ایران و جهان آماده می‌سازد.

شکی نیست که سوای تجربه‌های پرسود و ثمر، نگارگران دوران صفوی و شاید هم به زمانی کهن‌تر از آنان، در تجلیل از زیبایی گل و گیاه و پرنده و ستایش این خلقت بی‌همتا در نگارگری ایران، حرکت تازه نگارگران ایرانی، حکایت دیگری از این ستایش و نگاه را سبب می‌شود. چه در این دوران خلاف گذشته که گل و گیاه و پرنده آذین‌نقش‌های مینیاتورهای ایرانی و یا خوشنویسی این دیار می‌بوده است، گل و گیاه و پرنده، با نقش و حضوری مستقل، ذهن و اندیشه نگارگران را به خود مشغول می‌دارد.

در این راه شاید به حق و شایسته، باید بدعت تازه را مدیون تفکر و خلاقیت و ابتکار هنرمندی دانست که در اواخر عصر افشاریه نهضت مکتب گل را آغازگر بود و راهبر. و این هنرمند خلاق کسی نیست جز «علی اشرف» از ایل معروف افشار ارومی که چونان ستاره‌ای تابناک در آسمان هنر نگارگری قرن ۱۲ هجری قمری درخشید و چه خوش درخشید. از احوال و چگونگی زندگی این هنرمند، با تأسف اطلاعات چندان مفید و پرمایه‌ای در دست نیست، چه او نیز همانند سایر نگارگران مستعد و باهنر، شرح زندگی در حاله‌ای از ابهام مانده است. هم بدین سبب، تنها مدارک موجود در ارزیابی حضور پربرارش در هنر نگارگری قرن ۱۲ هجری آثار ممتازی است که اغلب با رقم «زبعت محمد علی اشرف» شناسایی گردیده است.

با این همه در نقد و نگرش به آثار ارزنده هنرمند، می‌توان دریافت که با توجه به نشانه‌های همگونی و تشابه هنر و ذوق او با قلم محمد زمان اول، به ویژه در



زمینه گل و بوته، او می‌بایست مدت زمانی را در خدمت و محضر محمدزمان اول، نقاش چیره‌دست عصر صفوی گذرانده باشد.

علی اشرف را باید نخستین هنرمند عاشق و شیفته گل و مرغ شناخت، او گوئی باغبانی گلستان هنر ایران را پیشه کرده است و به تمامی عمر و زندگی، در این راه با تمام ذوق و خلاقیت و هنرمایه گذاشته است.

علی اشرف با چنین مایه شور و شوقی است که چه بسا برای نخستین بار با مدد رنگهای جانانه و شاد و سایه‌پردازی‌های ماهرانه، هنر ایران را گل‌گونه و چه به حق تر همیشه بهار و سرسبز و پرگل می‌سازد، با چنان مرغان و پرندگان که تنها می‌شود گفت حاصل خیال و ذوق نقاش هستند و در مقام مقایسه با سایر مرغان و پرندگان هنر ایران، بی‌همتایند و نمونه.

او، سواى ذوق و درایت و هنر در این شیوه نوین نقش و نگاه، هنرمندی پر استعداد در سایر زمینه‌های هنرهای تجسمی کهن ایران نیز به شمار می‌رود، و شگفت آنکه به گاه خط‌نویسی، آنچه‌ان نسخ را روان و شیرین نوشته است و در کار خط نستعلیق استادى نشان داده است، که بی‌مبالغه می‌توان گفت علی اشرف، اگر نقاشی تنها دلبستگی‌اش نمی‌بود، چه بسیار که در طراز هنرمندان خوشنویس و ماندگار تاریخ خط و خوشنویسی ایران قرار می‌گرفت.

آثار این هنرمند را می‌توان در جلد‌های گل و مرغی، و بیشتر قلمدان‌های نفیس مورد مطالعه قرار داد که اغلب طی سنوات «۱۱۳۵» تا «۱۱۶۵» را شامل می‌شود. این آثار در موزه‌های ایران و خارج از ایران و گاه مجموعه‌های شخصی نگاهداری و به یادگار مانده است.

شاخص‌ترین و شاید هم لایق‌ترین شاگرد و پیرو علی اشرف در زمینه نقاشی گل و بوته، سواى «آقاباقر» و «آقاجف» و «آقازمان»، که اینان نیز از نخبگان هنر نگارگری زمانه خود هستند، نقاش هنرمندی است با نام

«آقاصادق» که با سجع (یا صادق‌الوعد) پا به عرصه هنر می‌نهد.

وی یقیناً به پاس ارادتی که به علی اشرف داشته است و به دلیل تجارب ارزنده و سودمندی که در محضر پرهنر علی اشرف آموخته است، تا دم‌آخرین زندگی، بر این شاگردی می‌بالد و پربهاترین آثارش را با سجع «صادق از لطف علی اشرف شد» مزین می‌سازد و بدین ترتیب میزان ارادت و اخلاصش را به استادش آشکار می‌سازد.

وی از نام‌آشنا‌ترین نگارگران عصر زندیه است و به دیگر کلام، اگر مکتب گل را علی اشرف و هنرمندان پیشین پایه می‌نهند، او با ذوق وافر این مکتب را در عرصه هنر ایران، آبرو و اعتباری تازه می‌بخشد. تا بدانجا که در کار ساختن گل و مرغ، گاه آنچه‌ان مهارت و استادی به خرج داده که از استادش علی اشرف نیز در سایه‌پردازی و نمایاندن حالات پرندگان و مرغان و طراوت و لطافت گلها پیشی گرفته است.

آقا صادق نیز همانند سایر استادان این شیوه بدیع هنری، بیشترین نمود هنری‌اش را می‌توان در قاب‌آینه‌ها و قلمدان‌هایی مشاهده کرد که به سفارش این و آن با نقاشی‌های استادانه‌اش از خود بیادگار گذاشته است.

با توجه به رواج و رونق معماری اصیل و پرصلابت عصر زندیه، هنرهای سنتی ایران نیز به ضرورت آرایش و تزئین این بناها، حیاتی دوباره می‌یابند، هنرهای همانند کاشی‌سازی، گچ‌بری، منبت‌کاری و حجاری و مهم‌تر نقاشی دیواری. در نقش‌های به یادگار مانده هریک از هنرهای یادشده، همچنان نفوذ و سلطه اندیشه هنرمندان دوستدار گل و مرغ آشکارا دیده می‌شود و به دیگر مفهوم، این هنرها نیز همگام با رواج گل و بوته و مرغ در نقاشی قاب‌آینه‌ها و قلمدان‌ها و پشت جلد در نقش‌های کاشی و گچ و سنگ نیز متجلی می‌شوند. زیباترین نمونه‌های این تحول را هم امروز می‌توان در کاشیکاری‌های مسجد جامع و کیل شیراز و حجاری‌ها و





گچ‌بری‌های به یادگار مانده از عصر وکیل‌الرعا یا در بناهای دیوانی عصر این سلطان مشاهده کرد که به تمامی نمایانگر تأثیر از ذوق و سلیقه هنرمندان و پیروان مکتب گُل و رواتر شیفتگان گُل است.

هم در این رابطه است که آقاصادق، نگارگر نام‌آشنای عصر کریم‌خان زند به فرمان او پنج تابلوی نقاشی دیواری در تکیه هفت‌تنان (واقع در دامنه کوه چهل‌مقام) از خود بیادگار می‌گذارد، این تابلوها که به کرات مرمت و بازسازی شده‌اند عبارتند از:

تصویر شیخ صنعان—مجلس ابراهیم خلیل و قربانی اسماعیل—صورت موسی و شبان‌گوسفندان—ودو تصویر از دو درویش پیر و جوان که به زعم و سلیقه جمعی می‌بایست از شیخ اجل سعدی و خواجه بزرگوار حافظ الهام گرفته شده باشد.

مکتب گُل، بعد از آقاصادق و یارانش، اگر جلوه و جلای دوباره‌ای یافته باشد و به حیات خود ادامه داده باشد، بی‌تردید این جلوه و حیات را می‌بایست مدیون ذوق و استعداد هنرمندی نابغه یعنی لطفعلی‌خان شیرازی دانست که در اوایل عصر محمدشاه قاجار وارد کار هنر گردیده و با توجه به تاریخ نقاشی‌هایش، می‌بایست تا اواسط عصر ناصرالدین‌شاه قاجار دست‌ودل از کشیدن نقش برنکشیده باشد.

لطفعلی‌خان شیرازی را نمی‌توان تنها، یک وارث و امانت‌دار هنر گُل و بوته و مرغ شناخت، چه این هنرمند آنچنان ذوق و شایستگی و استعدادی در زمینه گُل و مرغ از خود نشان داد و با مدد از قدرت و مهارت ذهن کنکاشگر و دست‌های پرنهرش در کار نقش گُل و مرغ پیش رفت که این شیوه و نگاه به طبیعت و پرنده، به عنوان دیدگاهی تازه و بدیع، مقامی جهانی و همه‌گیر یافت.

لطفعلی‌خان شیرازی، نخست تحت تأثیر و پیرو مکتب نگارگران نامداری همانند علی‌اشرف و آقا صادق است، اما به زمانی بعد، گویا که نیازمند یک

تحوّل همه‌جانبه، چشم از تقلید و ادامه راه استادانش می‌بندد و خود می‌کوشد تا مگر آبرو و جانی تازه به هنر گُل و بوته‌سازی ببخشد و شگفتا که این عزم در تاریخ هنر نگارگری ایران، بیشتر یک رویداد و حادثه‌ای جدی و سرنوشت‌ساز می‌شود. تا یک ابداع شخصی و ذوق فردی.

از شرح حال این هنرمند وارسته و باذوق نیز چندان اطلاعات وسیعی در اختیار نیست. قدر مسلم زادگاهش شیراز است، و بنا به روایت بازماندگانش از سنین جوانی (حدود بیست سالگی) بنا به میل و کشش درون‌سی خود با توجه به روح و اندیشه بی‌قرار و جستجوگرش به گشت و گذار در طبیعت می‌پردازد و چه بسیار از اوقات زندگیش را در باغات و بساتین و دشت و دمن شیراز می‌گذراند. از آن پس با شیفتگی و عشقی که در ارتباط تنگاتنگ با گُل و گیاه و پرنده می‌یابد، به راه

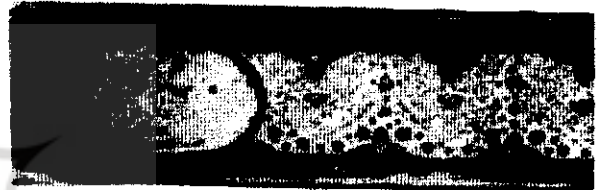
طبیعت را به خوبی می توان مشاهده کرد. هر چند به رسم نقاشان روزگار خویش به مناظر و مرایا و تناسب ساقه و کنده درخت و شکوفه و گل آن اهمیتی نمی داده است...»



با این همه در نگاه به تک شاخه های گل کار لطفعلی خان شیرازی، با آنکه در قاعده می بایست از روی مدل حقیقی ترسیم و نقاشی شده باشد، اما شگفتنا که ذهن پویا و ذوق بی همانند نقاش آنچنان تصرف ماهرانه ای در ترسیم گلها و پرندگان به خرج داده است که به جرأت توان گفت، گاه یافتن نمونه این گلها در طبیعت کاری مشکل و چه بسا ناممکن است و این مهم به چیزی تعبیر نمی شود، جز حضور هنرمندانه این نگارگر هنرمند و بی رقیب مکتب گل.



او این تصرف و دخالت هنرمندانه را نخست با جسارت و هنرمندی تمام در انتخاب رنگ و جایگزینی رنگهای تازه در ساقه و گلبرگ گلها به کار برده و زان پس در ترسیم ماهرانه غنچه ها و برگهای گلها، نه آنگونه که از قاعده اندام و رنگ و زیبائی گل ها، بیرون آید و نه به شکلی که انسان احساس کند، به عکس شاخه گلی یا پرنده ای روبروست. مهم ترین نمود استعداد و ذوق هنرمند در این دخالت ظریف و آگاهانه را می بایست در پیچ و خم ظریف برگها و گلبرگها، در انحنای ساقه گیاه و به دیگر تعبیر در ترسیم خیال برانگیز هر شاخه گل و گیاهی یا پرواز پرنده ای دنبال کرد.



نقش این خلقت های زیبا و شگفت برانگیز می افتد. در شرح حال مختصری که درباره نقاش در مجله نقش و نگار به رشته تحریر درآمده چنین نوشته شده است:

«اهمیت کارهای لطفعلی خان در ترسیم گل و بوته است و مخصوصاً در ترسیم گل سرخ و شکوفه سیب و سوسن (که در تهران به غلط به گل زنبق مشهور است) و گل دورنگ مهارتی معجزه آسا دارد که می توان لطافت و شفافیت و انحنای برگها را در کارهای او مشاهده کرد.

با تأسف، چند و چون حضور و تولد این هنرمند خود ساخته و بی همانند در تاریخ نگارگری ایران، آنچنان که می بایست و یا که سزاوار است، چندان جدی و پدافندانه مورد پژوهش و ارزیابی قرار نگرفته است، حال آنکه با توجه به رد پای ذوق این هنرمند در کار پیروانش، چه نقاشان نام آشنا و چه گمنام و حتی الهاماتی که به طراحان کاشی و هنرمندان گچ بر می بخشد، ضرورت تجزیه و تحلیل عمیق تر و ستایش والا تر و عمیق تری در زمینه آثار و شرح احوالش را دوچندان می سازد.

طرز کار این هنرمند اینطور بوده است که شاخه گلی را از گلستان می چید و در اطاق پیش روی خود می نهاد و به اصطلاح از روی طبیعت نقاشی می کرده است.

در مرقع ها و جلدهای قرآن مجید و قلمدان های کار او که امروز در خانواده ها موجود است، این توجه به





و ذوق و قلم لطفعلی خان شیرازی را می توان آشکارا به چشم دید.

گذشته از هنرمند یاد شده، در تحول گل و بوته سازی این عصر، نمی توان از یاد و نام «میرزا محمد علی شیرازی» و پسرش «میرزا باقر» گذشت، آنان اگر چه بیشترین میزان ذوق و استعدادشان را در کار تذهیب مایه گذاشته اند، اما یادگارهای گل و بوته هاشان در قاب آینه ها و قلمدان ها، حکایت از ذوق و لطافت قلم و طبع هنرمندانه شان می نماید.

«میرزا یوسف شیرازی» ملقب به «مذهب باشی» نیز از جمله نامهای ماندگار در زمینه گل و بوته سازی این زمان به شمار می رود. او نیز اغلب تحت تأثیر لطفلی خان شیرازی کار کرده است.

«میرزا بزرگ شیرازی» را با توجه به ابداعات خاص و ارزشمندش در زمینه گل و بوته سازی و تذهیب باید از دیگر هنرمندان معتبر و شایسته این عصر شناخت، وی چند صباحی به فرنگستان رفت و به هنگام بازگشت، با توجه به تجاری که در فرنگستان آموخته بود جذب مرکز «مجمع الصنایع» که در سال ۱۲۷۳ تأسیس و مرکز تجمع نقاشان و هنرمندان آن روزگار بود گردید.

میرزا بزرگ هر چند که به دلیل تأثیر پذیری از کار نقاشان فرنگ گل و بوته هایش رنگ و بو و حال و هوای گل و بوته های کار لطفعلی خان را ندارد، اما با این همه از ویژگی های خاص ذوق و استعداد پرمایه او حکایت می نماید.

از دیگر هنرمندان با استعداد و رواتر شاخص مکتب گل و مرغ، باید نامی از «محمد هادی نقاش شیرازی» برد، او با چنان مایه و ذوقی کار نقاشی گل و مرغ را دنبال نمود که بعد از مدت زمانی آثارش در مقایسه با سایر نقاشان هم عصرش کاملاً به برتری و اعتبار دست یافت. «محمد هادی نقاش شیرازی» هنرمندی متواضع، مستعد و منزوی بوده است، او با آنچنان ذوق و مهارتی گل و مرغ ساخته است که در یک نگاه، بیننده

ناگفته نماند که احیای تازه مکتب گل در زمان لطفعلی خان، تنها به حضور او خلاصه نمی شود، بل ذوق یاران هنرمندش، همانند: «آقا محمد حسین شیرازی» که سهمی عمده را در تولد و تثبیت این هنر از آن خود می سازد. مدد رسان هر چه پربارتر ساختن مبانی این مکتب هنری است.

«آقا محمد حسین شیرازی» کارهای گل و بوته ممتازی روی جلد قرآن و قلمدان ها از خود به یادگار گذاشته است که در تمامی آثارش تأثیرگذاری شدید

کارهایش احساس می‌کند که با گلی تازه برچیده شده از تن درختی و یا پرنده‌ای زنده و در حال پرواز روبروست.

«محمد هادی نقاش شیرازی» را باید یکی از ارکان اولای مکتب گل شناخت و سهم و اجر او را در تثبیت این مکتب و تعالی آن در تاریخ نگارگری ایران و به حق تر جهان در ردیف نامدارانی چونان علی اشرف، آقاصادق و لطفعلی خان شیرازی قرار داد.

مکتب گل تا اواخر عصر مظفری با خلاقیت دیگر هنرمندان گمنام و آشنا دوام یافت و با جلوه‌های گوناگون بر قاب آینه‌ها و جلد قرآن و قلمدان‌ها و جلد سایر کتب خطی و دواوین شاعران به یادگار ماند و مهم تر، تأثیر بر ذهن و اندیشه خلاق سایر هنرمندان هنرهای سنتی این دوران گذاشت.

با تأسف این مکتب، همانند سایر مکاتب اصیل هنر ایرانی در غوغای تقلید از مبانی هنر و فرهنگ غرب، آرام آرام رنگ و رو باخت و غبار فراموشی گرفت و جان کلام گل‌های همیشه شاداب مکتب گل پژمرده و پرنندگان و مرغانش از پرواز باز ایستادند.

### فهرست منابع و مأخذ مورد استفاده در زمینه سلسله مقالات شرح حال نگارگران سده‌های ده تا سیزدهم هجری چاپ شده در فصلنامه هنر:

- ۱- کمال الدین بهزاد- قمر آریان.
- ۲- نقاشی ایران از کهن‌ترین روزگار تا دوران صفویان- اکبر نجویدی.
- ۳- تاریخ نقاشی در ایران- زکی محمدحسن مصری، ترجمه ابوالقاسم سحاب.
- ۴- نگاهی به نگارگری ایران در سده‌های دوازدهم و سیزدهم هجری (گزیده‌یی از نوشته‌ها).
- ۵- ایران‌شهر- مجلد دوم (تصویر).
- ۶- تاریخ هنر اسلامی- پرفسور ارنست کونل، ترجمه مهندس هوشنگ طاهری.
- ۷- راهنمای صنایع اسلامی- م.س. دیباند، ترجمه دکتر عبدالله فریار.

۸- سیر تاریخ نقاشی ایرانی - لورنس پنیون- ج- و.س. ویلکینسون- بازیل گری، ترجمه محمد ایرانمنش.

۹- آثار عجم- فرصت الدوله شیرازی.

۱۰- یک سند تازه درباره بهزاد با تحلیلی از آثار و احوال او- قمر آریان- راهنمای کتاب.

۱۱- رضا عباسی نقاش معروف - مهدی بهرامی - مجله آینده.

۱۲- تأثیر هنر کمال الدین بهزاد در صفحات مصور نسخه‌های خطی دوران شاه اسمعیل اول- عیسی بهنام هنر و مردم، شماره ۶۶.

۱۳- درباره رضا عباسی - عیسی بهنام - مجله نقش و نگار، شماره ۳.

۱۴- یکی از کارهای رضا عباسی در موزه صنایع شرقی در مسکو، پیام نو، شماره ۳ و ۲.

۱۵- نقاشی‌های رضا عباسی - حسین خدیوچم، سخن، اسفند و فروردین ۱۳۴۶ و ۱۳۴۷.

۱۶- کمال الدین بهزاد، جلیل ضیاء پور- آناهیتا- بهمن و اسفند ۱۳۳۴.

۱۷- هنر دوره تیموری و کمال الدین بهزاد- رکن الدین همایونفرخ. وحید- مهر ۱۳۴۸.

۱۸- نامه‌ای از کمال الدین بهزاد به پادشاه صفوی- حسین میرجعفری- هنر و مردم شماره ۱۴۲

و با استفاده مفید و مؤثر از مقالات ارزنده:

- ۱۹- نقاشی‌های اسماعیل جلایر- نصرت‌اله فتحی راهنمای کتاب مهر و آبان ۱۳۵۱ (در نوشتار شرح حال اسماعیل جلایر).
- ۲۰- مجموعه آثار رضا عباسی - مظفر بختیار معارف اسلامی (نوشتار شرح حال رضا عباسی)
- ۲۱- محمد زمان اولین نقاشی که به اروپا رفت یحیی ذکاء- (سخن دی و بهمن ۱۳۴۱) (در نوشتار شرح حال محمدزمان).
- ۲۲- ابوالحسن صنیع الملک غفاری- یحیی ذکاء هنر و مردم شماره ۱۰ (در نوشتار شرح حال صنیع الملک غفاری).
- ۲۳- محمودخان ملک الشعرا- یحیی ذکاء هنر و مردم شماره ۵ و ۶ (در نوشتار شرح حال محمودخان ملک الشعرا).
- ۲۴- لطفعلی خان صورتگر شیرازی- دکتر لطفعلی صورتگر- نقش و نگار شماره ۳ (در نوشتار شرح حال راهبران و رهروان مکتب گل).